



درس‌های گیشه

جدول فروش فیلم‌های امسال حاوی درس‌های مهمی است، درس‌هایی که می‌تواند برای سینمای ایران بسیار آموزنده باشد و سرمشقی برای فردای سینمای ایران در اختیار دست‌اندرکاران قرار دهد...

این که دو فیلم از بین سه فیلم پر فروش سینمای امسال، یعنی دو فیلم نهنگ عنبر ۲ و گشت ۲ فیلم‌هایی هستند که در ادبیات سینمایی دنیا با عنوان دنباله‌سازی ازشان یاد می‌شود؛ این که سینمای اجتماعی هم اگر خوب ساخته شود این قابلیت را دارد که بفروشد و این را در حضور فیلم‌های اجتماعی در بین فیلم‌های پر فروش امسال می‌بینیم و بسیار درس‌های دیگر همه و همه آموخته‌هایی هستند که از مرور فهرست پر فروش‌های سال می‌توان به دست آورد...

دنباله‌سازی در سینمای جهان اتفاقی همیشگی و امتحان پس داده است و همه ساله ده‌ها فیلم مختلف به‌عنوان دنباله‌های آثار موفق و پر فروش ساخته می‌شود که فقط در یکی دوسال اخیر می‌توان اسپایدربن، آیرون من، دزدان دریایی کارائیب، من نفرت‌انگیز، اولین و... را نام برد. در جدول پر فروش‌های امسال سینمای ایران نیز این اتفاق افتاده و دو فیلم نهنگ عنبر ۲ و گشت ۲ به‌عنوان دنباله‌های دو فیلم پر فروش در صدر جدول فروش ایستاده‌اند. نهنگ عنبر ساخته سامان مقدم با بازی رضا عطاران، مهناز افشار و رضا ناجی در سال ۹۴ با فروش ۷ میلیارد تومان چندمیلیارد تومان بیشتر از فیلم دوم جدول پر فروش‌ترین فیلم‌های سال فروخته بود و گشت ارشاد نیز که آن را سعید سهیلی با تیم بازیگری جذاب حمید فرخ‌زاد، یولیا کیمیایی و ساعد سهیلی در سال ۹۰ جلوی دوربین برده بود، در آن سال با فروش ۱۸ میلیارد و ۳۳۳ میلیون تومان رکورد خارق‌العاده‌ای بر جای گذاشت و مدت‌های مدیدی رکورددار فروش سینمای ایران بود. حالا در جدول امسال به نظر می‌رسد با فروش شگفت‌انگیز دنباله‌های دو فیلم یعنی نهنگ عنبر ۲ و گشت ۲ که هر دوی این فیلم‌ها بالاتر از ۲۰ میلیارد تومان فروخته‌اند و علاوه بر جدول امسال در جدول فروش کل تاریخ سینمای ایران نیز جزو سه فیلم نخست هستند، دلیل رویداد سینمای ایران به دنباله‌سازی برای کمدی‌های موفق و محبوب توجیه‌پذیر است. به‌خصوص اگر کمی با دقت جدول پر فروش‌های تاریخ سینمای ایران را مرور کنیم، می‌بینیم که دیگر دنباله‌های سینمای ایران چون مجموعه‌های اخراجی‌ها و رسوایی نیز به موفقیت‌های بالایی مالی رسیده‌اند و تنها در میان دنباله‌های ساخته‌شده برای فیلم‌های پر فروش می‌توان فیلم رسوایی ۲ ساخته مسعود ده‌نمکی را به‌عنوان فیلمی شکست‌خورده حساب کرد که البته آن فیلم نیز به صورت کلی نمی‌تواند فیلمی شکست‌خورده ارزیابی شود و در سال اکران رسوایی ۲ این اتفاق به این دلیل رخ داد و فروش این فیلم به این دلیل شکست‌خورده شد که نتوانست توقعات فراوانی را که ایجاد کرده بود، پاسخ گوید؛ و گرنه فیلمی با فروش بالای ۴ میلیارد تومان که بیش از دو برابر متوسط فروش سال نمایشش فروخته بود را نمی‌شود شکست‌خورده به‌شمار آورد.

دیگر نکته مهم و آموزنده جدول پر فروش‌های امسال جایگاه فیلم‌های اجتماعی است. در تمام این سال‌ها چنین گفته شده که تعددی در کار است تا فیلم‌های کمدی بفروشند و این را در نقطه مقابل موفقیت سینمای اجتماعی قرار داده‌اند و از این طریق یک دوگانه شکل گرفته با این مضمون که موفقیت یکی از این ژانرها به معنای شکست آن دیگری خواهد بود؛ از این رو که در اجتماع مضمون زده‌ایران سینمای اجتماعی دارای نوعی ارزش و احترام ذاتی محسوب می‌شود، این پندار شکل گرفته که فروش کمدی ضدارزشی است که عامدانه برای از بین بردن انتقاد و اعتراض در سینمای اجتماعی به آن دامن زده می‌شود. جدول فروش امسال اما نشان از این دارد که موفقیت این دو ژانر از تباطی با هم ندارد و هر دو می‌توانند فیلم‌های موفق حاصل آورند؛ البته اگر خوب ساخته شوند...

این که بعد از فیلم‌های کمدی بالانشین جدول، فیلم‌های رده ششم به بعد را فیلم‌هایی با مضمون اجتماعی تشکیل می‌دهد؛ نکته مهمی است. رگ خواب با ۴ میلیارد و ۹۲۸ میلیون تومان، زرد با ۴ میلیارد و ۴۹۲ میلیون تومان، ماجرای نیمروز با فروش ۴ میلیارد و ۲۲۲ میلیون تومان، خفه‌گی با ۲ میلیارد و ۳۲۹ میلیون تومان و زیر سقف دودی با ۲ میلیارد و ۸۰۶ میلیون تومان پنج فیلم بعدی جدول پر فروش‌های سال هستند. این علاوه بر ترسیم نوعی موفقیت برای هر دو ژانر غالب سینمای ایران، نشان از یک کمبود بزرگ در سینمای ایران هم دارد که جز نبود تنوع در این سینما نیست. در حقیقت در سینمای ایران یا فیلم کمدی یا فیلمی می‌شود یا فیلمی اجتماعی و این فقر تنوع در نگاه به سیاه‌فیلم‌های امسال که امکان بیوستن به باشگاه میلیاردی‌ها را داشته‌اند، بیشتر جلوه می‌کند. بعد از فیلم‌های پر فروش بالای جدول، فیلم‌های نگار، سارا و آیدا، خانه دختر، برادرم خسرو، قهرمانان کوچک، سه بیگانه، ملی و راه‌های نرفته‌اش، آباچان، خالتور، مادر قلب اتمی، تابستان داغ، ایتالیا ایتالیا، با تو کفش من نکن، من و شارمین، بیست و یک روز بعد، یک روز بخصوص، ویلایی‌ها و تیک آف فروش‌های بعدی را داشته‌اند. این فیلم‌ها که همگی به فروش‌های میلیاردی رسیده‌اند؛ همگی جزو دو ژانر غالب سینمای ایران هستند؛ البته به جز سه فیلم ویلایی‌ها، قهرمانان کوچک و نگار....

گیشه سینمای ایران در سالی که گذشت
بخندان و پول پارو کن!

یولاد امین | در شرایطی که کمتر از یک هفته به آغاز سال نو باقی مانده و فیلم‌های اکران نوروز همین امروز و فردا دست‌کم نمایش خود را آغاز خواهند کرد، نگاهی حتی گذرا به وضعیت اکران فیلم‌های ایرانی در سالی که در روزهای پایانی‌اش هستیم، حکایت از موفقیت نسبی این سینما دارد. در شرایطی که در وهله نخست، بیش از هر چیزی می‌تواند شمای کلی از ذائقه و سلیقه عمومی سینمای تجاری ایران را ترسیم کند. سلیقه‌ای که بعد از اقبال و فروش بالای فیلم‌هایی چون فروشنده، ایدو یک روز و حتی باد بگارد، دوباره بازگشته به سمت کمدی تا برای هزار و یکمین بار ثابت شود سینماگر ایرانی برای حساب و کتاب کردن و گلیم از آب بیرون کشیدن چاره‌ای جز غلطیدن به آغوش سینمای امتحان پس داده و پر فروش کمدی ندارد... این نتیجه که با مروری کلی بر وضع فروش فیلم‌های امسال به دست می‌آید، چنان غم‌انگیز است که حتی امید ساختن یک بنای نو را نیز بی‌حاصل جلوه می‌دهد. این که در جدول پر فروش‌ترین فیلم‌های امسال پنج فیلم کمدی رده نخست تا پنجم جدول پر فروش را به خود اختصاص داده‌اند، نشان از وضعیتی تکراری دارد که در تمام سال‌های اخیر به وقوع پیوسته و هر بار هم گفته شده که این اتفاقی عادی است که در هر جای دیگر دنیا هم می‌تواند رخ دهد؛ در حالی که واقعیت چیزی غیر از این است و در دیگر نقاط دنیای پیشرفته، یک کمدی هم همان قدر موفقیت دارد که یک درام خانوادگی - مثلاً اما این جا موفقیت در کمدی معنا می‌یابد و این وضع و حال مردم این سامان را خطرناک جلوه می‌دهد... پر فروش‌ترین فیلم در این بین نهنگ عنبر ۲ با فروش نزدیک به ۲۱ میلیارد تومان است که در ضمن عنوان پر فروش‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران را نیز به خود اختصاص داده است. آینه بقل با نزدیک به ۲ میلیارد تومان در رتبه دوم قرار گرفته و گشت ۲ نیز با فروش ۱۹ میلیارد و ۷۸۱ میلیون تومان، خوب، بد، جلف با ۱۶ میلیارد و ۲۸۸ میلیون تومان و اکسیدان با ۱۰ میلیارد و ۷۵۷ میلیون تومان در رده‌های بعدی جدول فروش جای گرفته‌اند. نکته جالب این که فیلم ششم فهرست هم که ساعت ۵ عصر مهران مدیری است، یک جورایی کمدی به‌شمار می‌آید. نکته مهم دیگر هم این است که دو فیلم در بین سه فیلم که بالاترین رقم فروش را به خود اختصاص داده‌اند، در بی موفقیت‌نخستین قسمت ساخته و با اقبال مواجه شده‌اند؛ فیلم‌های نهنگ عنبر و گشت ارشاد که هر دو در سال اکران‌شان عنوان پر فروش‌ترین فیلم این سال را نیز از آن خود کرده‌بودند.

آیا سینمای ایران ورشکسته است؟!

امسال نهنگ عنبر ۲، گشت ۲، خوب، بد، جلف، آینه بقل و اکسیدان بیش از ۱۰ میلیارد تومان فروختند و فیلم‌های ساعت ۵ عصر، خالتور، رگ خواب، زرد، ماجرای نیمروز، خفه‌گی و تیک با ساند برابر است بین سه تا ۱۰ میلیارد. اینها فیلم‌هایی هستند که می‌شود گفت هزینه تولیدشان را در اکران در آورده و شاید سودی هم کرده باشند. این یعنی که از نظر اقتصادی ۱۲ فیلم سینمای ایران از طریق گیشه توانسته‌اند هزینه‌های انجام شده را بر گردانند و اگر چرخه مالی درستی بر مناسبات اقتصادی این سینما حاکم بود، یعنی که فقط و فقط این ۱۲ تهیه‌کننده می‌توانستند با فراغ بال دست به ساخت فیلمی جدید بزنند. اما روی هولناک که می‌تواند کل اقتصاد غیر شفاف سینمای ایران را زیر سوال ببرد، این آمار یعنی بین حدود ۷۰ فیلم اکران شده پنجاه و شش هفت فیلم قادر نبوده‌اند هزینه‌های انجام شده را در گیشه بازگردانند و اگر قایل به این باشیم که نیمی از این فیلم‌ها که حدود ۱۵ میلیارد فروخته و در کنارشان از مجاری و بیژهای چون رسانه‌های تصویری و... هزینه و درآمدشان را سر به سر کرده‌اند، اما این واقعیت که حدود ۳۰ فیلم در یک سال شکست کامل خورده‌اند، سیمای یک سینمای ورشکسته را به سینمای ایران می‌بخشد...

بخندان و پول پارو کن!

زمین بازی سینمای ایران کمدی است، یعنی که تنها سینمایی که می‌توان انتظار موفقیت اقتصادی تضمین شده‌اش را داشت؛ سینمای کمدی است. این سینماست که شما اگر نویسنده باشید و فیلمنامه‌ای با هر کیفیتی در این ژانر بنویسید، می‌توانید مطمئن شوید که تهیه‌کننده فیلمنامه را از شما خواهد خرید. سلیقه سینمای کمدی بر کلیت سینمای ایران اما منحصر به امروز و دیروز نیست. این سال‌هاست این نوع سینما موفق‌ترین روزها را به چشم دیده که اما به‌خصوص در سال‌های اخیر شاهد این مدعا است. این که در بین چهار فیلم پر فروش سال ۹۴ سه فیلم نهنگ عنبر ۱ به کارگردانی سامان مقدم، ایران بر سر ساخته مسعود جعفری جوزانی و در مدت معلوم به کارگردانی وحید امیرخانی به ژانر کمدی اختصاص داشتند که می‌شود ۱۸ درصد پر فروش‌ترین‌های سال. این که در سال ۹۶ از بین ۶۱ فیلم اکران شده با این فقط ۱۱ فیلم کمدی بوده‌اما همین ۱۱ فیلم در گیشه نفع‌آور بوده‌اند و مجموعاً ۱۵ میلیارد تومان فروش کلی، ۸ میلیارد تومان فروخته‌بودند که نشان می‌داد یک‌ششم فیلم‌ها که کمدی بودند حدود یک‌سوم از درآمد حاصل از گیشه سینما را به دست آورده بودند. تازه این همان سالی است که از آن به‌عنوان سال وقفه در سلیقه کمدی نیز نام برده شد و فیلم‌های فروشنده و ایدو یک روز و باد بگارد در گیشه موفق شدند. فروش امسال هم تکرار همین داستان است با این تفاوت که به نظر می‌رسد سلیقه کمدی پر رنگ‌تر هم شده و علاوه بر این که ۶۱ فیلم نخست جدول فروش کمدی هستند، همچنین مجموع فروش فیلم‌های کمدی بیش از ۸۰ درصد کل فروش سینمای ایران را نیز به خود اختصاص داده است...

جدول فروش فیلم‌ها در سال ۹۶

فیلم	فروش (تومان)	فیلم	فروش (تومان)
نهنگ عنبر ۲	۲۰٬۹۲۴٬۰۰۰	شکلاتی	۵۶۴۰٬۰۰۰
آینه بقل	۲۰٬۰۱۰٬۵۶۰	اسرافیل	۵۲۱۰۸۲۸۰
گشت	۲۱٬۹۷۸٬۲۴۴	حمید فرخ‌زاد	۵۱۸۰۶۳۰
خوب، بد، جلف	۱۶٬۲۸۸٬۹۲۰	زادبوم	۵۰۱۰۲۷۰
اکسیدان	۱۰٬۷۹۱٬۰۵۰	امتحان نهایی	۴٬۲۰۸۷۳
ساعت ۵ عصر	۹٬۱۲۷٬۱۳۰	کارگر ساده نیازمندیم	۳۸۴۳۳
خالتور	۶٬۶۹۴٬۰۰۰	صفر تا سکو	۳۸۲۰۶۳۰
رگ خواب	۴٬۹۲۰٬۱۶۰	اشوب	۳۷۱۰۹۲۰
زرد	۴٬۸۴۲٬۵۶۰	فهرست مقدس (المیجین)	۳۱۶۳۴۹
ماجرای نیمروز	۴٬۳۳۲٬۱۵۰	هاری	۳۱۳٬۵۳۰
خفه‌گی	۴٬۰۰۸٬۲۴۰	کلیله و دمنه (المیجین)	۳۰۳۳۳۱
بدون تاریخ بدون امضا	۳٬۸۵۰٬۱۲۰	نقطه کور	۲۹۷٬۶۶۷
تیک با ساند برابر است	۳٬۷۱۷٬۳۳۰	غیر مجاز	۲۷۲٬۶۴۰
خانه دختر	۲٬۸۹۹٬۹۹۰	آزاد به قید شرط	۲۶۲٬۰۵۷
زیر سقف دودی	۲٬۸۰۶٬۷۳۰	مادری	۲۵۸٬۸۷۰
نگار	۲٬۶۲۹٬۴۴۰	شئل	۲۴۶٬۵۰۰
سارا و آیدا	۲٬۶۲۱٬۴۴۰	اشوگل	۲۳۲٬۰۸۲
قهرمانان کوچک	۲٬۵۶۴٬۷۱۰	فصل ترکش	۲۳۱٬۰۴۰
قاتل اهلی	۲٬۴۴۸٬۱۵۰	وقتی برگشتی	۲۱۶٬۴۷۸
برادرم خسرو	۲٬۰۲۱٬۴۹۸	راز سیاهوش (المیجین)	۲۰۹٬۳۳۰
سه بیگانه	۲۰۰۱۱۰۶۰	مالاریا	۱۸۲٬۸۴۲
ملی و راه‌های نرفته‌اش	۱٬۹۸۷٬۳۳۷	گذر موقت	۱۷۶٬۰۳۳
دخترعمو و پسرعمو	۱٬۵۳۳٬۳۳۳	انزوا	۱۱۷٬۷۳۶
آباچان	۱٬۵۲۰٬۵۲۲	ماجان	۹۶٬۰۳۳
عشقولاس	۱٬۴۴۰٬۰۸۵	افسانه گل‌آباد	۹۴٬۵۴۱
مادر قلب اتمی	۱٬۳۳۲٬۰۲۸	آپاندیس	۶۰۳۱۸
ایتالیا ایتالیا	۱٬۳۱۶٬۱۵۰	دو عروس	۵۷۷۵۱
تابستان داغ	۱٬۲۹۸٬۲۰۸	پینوکو، ماموسرادر و ریسه‌لی	۳۶۲۲۳
ما خیلی خالیم	۱٬۲۷۲٬۹۶۰	مالچولیا	۳۵۲۴۱
با تو کفش من نکن!	۱٬۲۴۱٬۹۵۰	دعوتنامه	۳۱۴۵۷
بیست و یک روز بعد	۱٬۲۰۷٬۰۵۰	شاخ کرگدن	۳۱۱۹۴
سد معبر	۱٬۲۰۶٬۹۵۷	یلوک ۹ خروچی	۳۱۰۸۶۴
من و شارمین	۱٬۲۰۴٬۶۲۵	مسئله	۲۸۴۸۳
یک روز بخصوص	۱٬۱۹۵٬۰۷۲	دریاچه ماهی	۲۶۷۲۳
ویلایی‌ها	۱٬۱۶۲٬۱۵۰	من یک ایرانی‌ام	۲۱۲۴۶
تیک آف	۱٬۱۱۰٬۳۸۹	کبریت سوخته	۲۰۲۶۳
حرب شخصی	۸۶۰٬۹۲۶	آرمانشهر	۱۳۷۱۳
پل خواب	۸۱۱٬۳۲۱	رقص با	۱۱۶۵۷
آذر	۷۹۵٬۲۹۴	ماه در جنگل	۶۱۷۸۰
کمدی اسانی	۷۶۲٬۵۹۹	لشک ترکش	۵۷۷۵۰
خانه کافدی	۶۱۱٬۱۸۴	قلب سفید کافکا	۸۴۰



چرا فیلم می‌سازیم؟!

وقتی پیش از نیمی از فیلم‌های سینما در یک‌سال به‌طور کامل و محض شکست می‌خورند، نمی‌توان پرسید که تهیه‌کنندگان شکست‌خورده را چه انگیزه‌ای وادار به ساخت اثری دیگر می‌کند؟ آیا خود این مسأله مهر اثباتی بر وجود و حضور افراد و سرمایه‌های غیر شفاف و مبهم در این سینما نیست؟

سینمای ایران مثل تمام دنیا نیست که با پول مردم - که از گیشه به دست می‌آید - ادامه مسیری دهد. با این که در سال‌های اخیر سینمای ما نیز تلاش کرده تا فاصله نجومی‌اش را با جریان روز دنیا کاهش دهد، با این که سیاست‌گذاری‌های فرهنگی سال‌های اخیر موجب شده تا اوضاع به مراتب و بارها و بارها بهتر شده و گام‌ها به جلو برداشته باشیم و با این که مناسبات مالی و حرفه‌ای شفاف‌تر و بسامان‌تری را در سینما شاهدیم و شمار پشت پرده‌های شگفت‌انگیز و دیدنی و شنیدنی این سینما کاهش ملموسی پیدا کرده، اما باز چنان با سینمای دنیا فاصله داریم که گاه حس می‌شود در فضا، دو دنیا و دو کیهان متفاوت نفس می‌کشیم. پدیده یا اتفاقی که در سینمای دنیا یک امر بدیهی است، این‌جا به شکل موردی تجملی و حاشیه‌ای جلوه می‌کند. جالب این که هر چقدر به این قضایا نگاه کنیم باز ناچاریم به همان نقطه آغازین برگردیم و به عبارت بهتر ریشه این تفاوت‌های بنیادین را می‌توان در مناسبات مالی حاکم بر سینمای ایران ریشه‌یابی کرد. مناسباتی که باید با قواعد تثبیت شده و امتحان پس داده بازار رقم بخورد، اما در سینمای ایران با قواعد و قوانینی طرف هستیم که نه مبتنی بر قواعد بازار و واجد محاسباتی این نوع نگاه اقتصادی است و نه این که محاسبات اقتصاد دولتی را با خود دارد. در واقع ما از هر دو دیدگاه اقتصادی محاسباتی را کنار انداخته و معیارهای پر برداشته‌ایم و در سینمایمان به کار برده‌ایم. از بازار آزاد فقط و فقط وجه رقابتی و برد به هر طریق را انتخاب کرده‌ایم و از نگاه دولت محور هم جنبه‌های عدالت محور را فراموش کرده یا نادیده گرفته و رو آورده‌ایم به وجود غیر شفاف این نوع اقتصادی. چنین شده که این اقتصاد غیر شفاف و مبهم تمام وجوه و جوانب این سینما را از تولید تا پخش زیر سایه قرار داده و فضایی غیر آلود و مبهم آفریده که نتیجه‌اش را در سینمای این روزها می‌بینیم. سینمایی که نه دولتی است و نه خصوصی. هم از بودجه‌های نهاد‌های مختلف تغذیه کرده و هم این که ادعای استقلال می‌کند، شتر گاو پلنگی که نه شتر است، نه گاو و نه پلنگ. سینمایی بی‌ریشه که یاد آور سفره‌ای است که عده‌ای باش نشسته و از نعمات این سفره بهره‌مند می‌شوند و شگفت که طمع چنان تحت تأثیرشان قرار داده که اجازه نزدیک شدن کسی دیگر غیر خودشان را نیز به این سفره نمی‌دهند...

به همین دلیل هم هست که می‌بینیم تعاریف و قواعد در این‌جا با دیگر سینماهای فعال دنیا تفاوت دارد. تهیه‌کننده چون به واسطه مناسبات مالی ناسالم سودش را در هر حلقه تولید برده، پیش از این که در بی اکران مناسب فیلمش یا حتی پیش از آن، در بی تولید یک اثر ارزشمند باشد، کاری به این چیزها ندارد. چنین می‌شود که چرخه نورمال سینما مبتنی بر مسیر طبیعی تولید، توزیع و باز تولید شکل نمی‌گیرد. به همین دلیل نیز هست که تهیه‌کنندگانی را در این سینما می‌بینیم که فیلم‌های پرهزینه‌ای تولید می‌کنند و بعد از این که آن فیلم‌ها در گیشه شکست‌های مفتضحانه‌ای می‌خورند، بی این که خم به ابروی تهیه‌کننده آید، مسیر حرفه‌ای خود را امتداد داده و به انباشت فیلم‌های نمایش داده نشده و شکست خورده سال به‌سال ادامه می‌دهد. آیا فکرش را کرده‌اید که فراغ از موفقیت ۱۰-۱۲ فیلم که در سال فروش‌های بالای هفت هشت میلیاردی را تجربه می‌کنند، بقیه تهیه‌کنندگان را چه انگیزه‌های مادی به ادامه کار ترغیب می‌کند؟ آیا موفقیت است که تهیه‌کننده‌های سال‌های متمادی و متوالی ضرر روی ضرر انباشته کند و باز هم مشتاق ادامه روند کاری‌اش باشد؟ آیا ادامه این روند به این معنا نیست که سود تهیه‌کنندگان و انگیزه آنها برای ادامه این کار از جایی غیر از گیشه‌های فروش تأمین می‌شود؟

یک‌بار در نوشته‌های گفتم و بسیار هم مورد انتقاد قرار گرفتم که در بی این مسائل می‌بینیم که در سینمای ایران روند کار بسیار ساده پیش می‌رود: به هر دلیل، با هر انگیزه‌ای سرمایه‌گذاری پیدا می‌شود یا اسپانسر می‌کند که می‌خواهد نامی، پرندی یا کالایی را تبلیغ کند. حالا چنان تهیه‌کننده‌ها را که یک میلیارد در یافتی اگر سخاوتمند باشد ششصد هفتصد میلیون تومان را صرف ساخت فیلم می‌کند و بقیه‌اش را هم به‌عنوان دستمزد خودش برمی‌دارد. این یعنی سود در تولید. یعنی فیلم اگر یک میلیون تومان هم نفروشد باز چیزی از جیب تهیه‌کننده نرفته است و او سود مناسب خود را از این پروژه برده است. این یعنی که دیگر انگیزه چندان برای آرایه مناسب و تبلیغات تهیه‌کننده برای فیلم وجود ندارد. یعنی که اگر انگیزه شخصی کارگردان برای ساخت فیلمی قابل قبول را کنار گذاریم، از سوی تهیه‌کننده حتی انگیزه‌های برای ساخت یک فیلم خوب یا جذاب نیز وجود ندارد. فیلم هر کیفیتی داشته باشد و هر قدر بفروشد یا نفروشد، تهیه‌کننده سودش را کرده و چنین می‌شود که سینما به روزی می‌افتد که الان هست.